



مسئولیت دولت‌ها در قبال غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه

مبثنی بر حقوق بشردوستانه اسلامی

سیدمحمدصادق هاشمی شاهرودی^۱، مهرانوش میرزاامرجی^۲

۳۳

دوره ۱۳، شماره ۲، پیاپی ۳۳
تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۰۷

صص: ۵۵-۳۳

شابا چاپی: ۵۶۴۷-۲۲۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی صنعت کوهی در
JOURNALS.MSRT.IR

DOR: 20.1001.1.23225637.1403.13.2.5.8

چکیده

حقوق بشردوستانه اسلامی برای مخاصمات مسلحانه برنامه قانونی مفصلی بر پایه عدل، رحمت و رعایت حقوق و شئون انسانیت تنظیم کرده و نگاه ویژه‌ای به افرادی دارد که در جنگ حضور ندارند و عموماً شامل زنان، کودکان، سالخورده‌گان، بیماران و... می‌شود. در جهاد اسلامی، افراد غیررزمندگان دشمن، تا هنگامی که در فعالیت‌های جنگی مؤثر نیستند، از مصونیت برخوردارند؛ لیکن رزمندگان دشمن تنها به کسانی صدق نمی‌کند که سلاح به دست و جزئی از ارتش منظم دشمن‌اند، بلکه شامل همه کسانی می‌شود که به نحوی در پیشبرد جنگ به نفع دشمن مؤثر باشند؛ هر چند سلاح در دست نداشته باشند. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش اصلی که مسئولیت دولت‌ها در حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه در حقوق بشردوستانه اسلامی چیست؟ پرداخته می‌شود. فرض مقاله بر این است که در حقوق بشردوستانه اسلامی همه کسانی که از اعمال خصمانه جنگی خودداری می‌کنند، به لحاظ اینکه در جنگ مشارکت ندارند، غیررزمندگان شمرده می‌شوند و حقوق آنان محترم است. بنابراین، افرادی که در حقیقت نظامی نیستند، یا دلایلی بر نظامی بودن آنان نباشد، مورد حمایت قرار می‌گیرند و دولت‌ها و جنگجویان حق تعرض به آنان را ندارند و در قبال آنان مسئولیت دارند.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت دولت‌ها، مخاصمات مسلحانه، غیرنظامیان، حقوق بشردوستانه اسلامی.

۱. عضو هیأت علمی گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه عدالت، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

موضوع صلح و جنگ یکی از مسائلی است که با حیات بشر طول عمر یکسان داشته، چنان که ضرب‌المثلی می‌گوید: جنگ و صلح مثل دنیای ما کهنه است با این تفاوت که بسیاری از موضوعات کهنه دنیای ما، امروزه دیگر محل گفتگو نیست. اما این مسأله هیچ‌گاه از به روز بودن خود خارج نشده و همیشه مورد توجه دولت‌ها و ملت‌ها است. در واقع جنگ پدیده‌ای عجیب شده با حیات بشر است و سرنوشت بشر با آن گره خورده است (زرشکی، ۱۴۰۲: ۲).

حقوق بشردوستانه مجموعه‌ای از اصول و قواعد مبتنی بر حقوق معاهدات و حقوق عرفی حاکم بر مخاصمه‌های مسلحانه به منظور سازماندهی، نظارت و رعایت تضمین‌های قابل اجرا، با هدف جلوگیری از آثار نامطلوب ناشی از جنگ و حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه است (محبی، ۱۳۹۹: ۵). حقوق بشردوستانه یکی از مباحث مهم حقوق بین‌الملل و مورد تأکید ادیان آسمانی به خصوص دین اسلام است. تبیین ابعاد گوناگون این مسأله، در گسترش اصول حقوق بشردوستانه نقش بسیار سازنده‌ای دارد. تأمین صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و بهره‌مندی از اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی، بدون استمداد از دین اسلام ممکن نیست. دین اسلام برای خود جنگ نیز برنامه قانونی مفصلی بر پایه عدل، رحمت و رعایت حقوق و شئون انسانیت تنظیم کرده است. در قرآن کریم به صورت مکرر بر رعایت عدالت و تجاوز نکردن از حدود معقول انسانی در مقابل دشمنان تأکید شده است. برخی از تعالیم گسترده اسلام در مورد اشخاص و افرادی است که در جنگ و نبرد شرکت نکرده‌اند و یا در حال حاضر درگیر نیستند. به عبارت دیگر، برای افراد غیر نظامی، خواهان امنیت و سلامتی کامل شده است. در جهاد اسلامی افراد غیر رزمنده دشمن، مادام که در فعالیت‌های جنگی مؤثر نیستند از مصونیت برخوردارند، لکن رزمنده دشمن تنها در مورد کسانی صدق نمی‌کند که سلاح به دست و جزئی از ارتش منظم دشمن می‌باشند، بلکه شامل کلیه کسانی می‌شود که به نحوی در پیشبرد جنگ به نفع دشمن مؤثر باشند، هرچند که سلاح در دست نداشته باشند. کلیه کسانی که از اعمال خصمانه جنگی خودداری می‌کنند، به لحاظ اینکه در جنگ شرکت ندارند غیر رزمنده محسوب شده و حقوق آنان محترم شمرده می‌شود. در دیدگاه اسلامی، هرگاه مردم یک سرزمین اشغال نشده و مورد تجاوز قرار نگرفته، به ناحق بر علیه نیروهای مسلح دولت و ملت دیگری برخیزند و با حمل

اسلحه و بکار گرفتن سلاح‌های جنگی دست به اقدامات مسلحانه بزنند، محارب محسوب می‌شوند و از شمول مقررات مربوط به غیر نظامیان خارج می‌گردند. بنابراین، افرادی که در حقیقت نظامی نبوده، یا دلایلی بر نظامی بودن آنان وجود نداشته باشد، مورد حمایت قرار می‌گیرند و جنگجویان حق تعرض به آنان را ندارند؛ زیرا پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «پیران، زنان، اطفال، عابران و رهبانان را که در غارها و بیغوله‌ها زندگی می‌کنند، به قتل نرسانید».

از دیدگاه اسلام، دشمنان به عنوان انسان‌هایی که قابلیت هدایت و سوق به سوی حق و حقیقت را دارند به حساب می‌آیند. از سوی دیگر، در زمان جنگ، دشمنان از دو گروه متمایز تشکیل می‌شوند. دسته‌ای نظامیان و کسانی که مستقیماً و به گونه فعالی در جنگ مشارکت دارند و دسته دیگر که به هیچ وجه دخالتی در جنگ ندارند که معمولاً زنان، کودکان و مردان سالخورده را تشکیل می‌دهند. اسلام برای افرادی از دسته نخست که تسلیم شده یا زخمی گردیده و یا اسیر گشته‌اند، حقوق خاصی را شناخته است. از این رو، اسلام مردانه جنگیدن را ترغیب و خیانت و شکنجه دادن و آزار روانی و بدنی نسبت به دشمن (به خصوص پس از خاتمه جنگ) را منع می‌کند (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۲۳۲-۲۳۰).

منظور از حقوق بشردوستانه در اسلام، مجموعه قواعد فقهی و حکومتی اسلام است که سه مقطع زمانی پیش، حین و پس از جنگ را تشکیل می‌دهد و مسلمانان موظف به رعایت آنها می‌باشند. منابع حقوق جنگ در اسلام، همان منابع حقوق بین‌الملل در اسلام است. از آنجایی که حقوق جنگ زیرمجموعه حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد، در اسلام نیز این مجموعه از حقوق و احکام را باید در منابع حقوق بین‌الملل اسلامی و قواعد رفتار دولت‌ها در زمان جنگ و صلح جستجو کرد. آنها بخش مهمی از قواعد فقه را نیز تشکیل می‌دهند و کتاب‌های خاصی این گونه قواعد را تحت عنوان «السیر»، یعنی طرز رفتار در منطقه جنگی، بررسی می‌کنند (حمیدالله، ۱۳۸۱: ۲۸).

در این مقاله به مسئولیت دولت‌ها در حمایت از حقوق غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه در حقوق بشردوستانه اسلامی پرداخته می‌شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

زبده و حقیقت‌پور (۱۴۰۲) در مقاله «مطالعه تطبیقی در مصونیت غیرنظامیان و زوال آن در نظام‌های حقوق بشر دوستانه اسلام و بین‌الملل»، مطرح می‌کنند که در نظام حقوقی اسلامی اشخاص با چه خصوصیتی از حمایت برخوردارند و چه اعمالی باعث خروج افراد از مصونیت می‌شود؟ اسلام تمامی کسانی که فاقد وصف اقدام فعال در جنگ هستند را مورد حمایت قرار داده است. تنها با مشارکت مستقیم و غیرمستقیم در مخاصمه و اقتضای اصل ضرورت نظامی مصونیت زایل می‌گردد.

مسعودی‌نیا (۱۴۰۱) در مقاله «حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه در فقه و حقوق کیفری بین‌المللی» مطرح می‌کند در اسلام نیز اصل تفکیک و تمایز نظامیان در مخاصمات مسلحانه به رسمیت پذیرفته شده است. مبنای اصل تفکیک و تمایز در اسلام، آیه ۹۱ سوره بقره است که طبق دلالت صریح این آیه جنگ به کسانی اختصاص دارد که عملاً درگیر مبارزه هستند. در اسلام نیز افرادی مانند، زنان، کودکان و پیران که در حقیقت نظامی نیستند، مورد حمایت قرار می‌گیرند.

لطفی و همکاران (۱۳۸۸) در کتاب «بررسی تحقیقی حقوق بشر دوستانه در منابع اسلامی و اسناد بین‌المللی؛ اشخاص مورد حمایت در مخاصمات مسلحانه» بیان می‌کنند عناصر مورد حمایت در جنگ از مهمترین محورهای حقوق بشر دوستانه می‌باشد که به صورت گسترده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر دوستانه و در منابع اسلامی بویژه فقه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این میان اشخاص و افراد انسانی در برخورداری از این حمایت‌ها از جایگاه خاصی برخوردارند به طوری که بررسی اسناد و منابع نشان می‌دهد حتی محدودیت‌های در نظر گرفته شده چه در مورد تسلیحات جنگی و چه در مورد شیوه‌های جنگی و دیگر موضوعات مرتبط با حقوق بشر دوستانه با عنایت به شخصیت و مقام انسانی بوده است.

احمدآبادی (۱۳۸۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «حمایت از افراد و اموال غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه حقوق بین‌الملل و اسلام» تأکید می‌کند: از بررسی و تطبیق کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه حقوق مخاصمات مسلحانه و منابع موجود در حقوق اسلامی این حقیقت آشکار است که ریشه‌های قواعد و مقررات حقوق جنگ به طور عام و حقوق بشر دوستانه و سایر

تلاش‌های مربوط حمایت از افراد کاملاً در دستورات و تعالیم اسلامی وجود داشته و حتی قواعد بین‌المللی حقوق بشردوستانه به طور عمده برگرفته از حقوق اسلامی می‌باشد.

۲.۲. مبانی نظری

۲.۲.۱. حقوق بشردوستانه در دین اسلام

اصولاً دیدگاه اسلام، کاهش آثار شوم جنگ‌ها و برداشتن گام مؤثر در حذف جنگ است. علاوه بر این، یکی از اصول مهم محدودکننده جنگ، این اصل است که کسی که در جنگ مشارکت ندارد و یا حتی در جنگ حضور دارد، ولی کار مطبوعاتی و خبرنگاری انجام می‌دهد، و به طور کلی، تمام کسانی که در تقویت نظامی دشمن هیچ کمکی نمی‌کنند، از آسیب و تعرض مصون می‌باشند و حتی در مبارزه با دشمن، باید به گونه‌ای عمل کرد که افراد حاشیه‌ای و غیر مربوط به جنگ، از حمایت‌های ویژه برخوردار شوند.

فقیهان اسلامی، اعم از شیعه و سنی یک «قاعده فقهی» تأسیس کرده‌اند که بر اساس این قاعده فقهی، افراد غیرنظامی کشته نمی‌شوند: «لَا يُقْتَلُ غَيْرُ الْقَاتِلِ؛ غیر قاتل، کشته نمی‌شود». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۸).

در قاعده فقهی «لایقتل غیرالمقاتل» (فیروزی، ۱۳۹۲: ۶۳-۴۳)، حکم عدم جواز کشتن غیرمقاتلین در جنگ‌ها، یک حکم کلی است که بر مصادیق آن قابل تطبیق است. بدین صورت که در جنگ، هر کس عنوان غیرمقاتل بر او منطبق بود، از حمایت برخوردار است و کشته نمی‌شود.

برخی از علمای لغت، مقاتله (به فتح تاء) را به معنی قتال دانسته‌اند (ابن منظور و الجوهری) و قتال را به «محاربه» تعریف کرده‌اند (الراغب الاصفهانی و ابن منظور)، اما مقاتله (به کسر تاء) را به معنی «مقاتل» دانسته و آن را به «الذین يأخذون فی القتال»؛ کسانی که شروع در قتال می‌کنند (القیومی و معلوف) و «الذین یلون القتال»؛ کسانی که نزدیک قتال می‌شوند و «القوم الذین یصلحون للقتال»؛ کسانی که صلاحیت قتال دارند (الطریحی و الجوهری)، معنا کرده‌اند و برخی دیگر، برای «مقاتل» معنای «من یصلح للقتال او یباهره» را بیان کرده‌اند (انیس، بی تا: ۲/۷۱۵).

برخی از مفسران امامیه نیز در تعریف قتال و مقاتله، ذیل آیه ۱۹۰ سوره بقره گفته‌اند: «القتال و المقاتله، محاوله الرجل قتل من یحاول قتله»؛ قتال و مقاتله عبارت است از قصد شخص برای

کشتن کسی که قصد کشتن او را دارد (الطبرسی، الطباطبایی، فضل‌الله، الطوسی). برخی دیگر از مفسران نیز، مقاتله (به فتح تاء) را به معنی جنگ و جدال برای کشتن دیگری بیان کرده‌اند (ابوالفتوح الرازی، ۳/۷۱: ۱۳۷۰).

از مجموع آنچه که از کلام لغویان و مفسران استفاده می‌شود، می‌توان گفت که مقاتل کسی است که هم صلاحیت و اهلیت قتال داشته باشد و هم در مقام مقاتله و قصد قتال باشد. بنابراین افرادی که یا توانایی و اهلیت قتال ندارند (مانند زنان، کودکان و سالخورده‌گان) و یا توانایی و اهلیت قتال دارند اما در مقام و قصد مقاتله نیستند (مانند عابدان و راهبان در عبادتگاهها و خبرنگاران)، مقاتل محسوب نمی‌شوند (فیروزی، ۱۳۹۱).

بدین ترتیب، بنا به آموزه‌های اسلامی، دلیلی برای مشروعیت قتل و قتال با افراد غیرنظامی که مشارکتی در جنگ ندارند، وجود ندارد و منابع اسلامی بر این امر تأکید دارند. علاوه بر عموماًتی که در آیات و روایات وجود دارد، ادله‌ای نیز با ذکر برخی مصادیق افراد غیرمقاتل، قتال و کشتن آنان را جایز نمی‌شمارد. البته نهی از قتال، فقط منحصر به افرادی نیست که در روایات از آنان نام برده شده، بلکه همان طور که از کلام برخی فقها استفاده شد، می‌توان از این مصادیق، الغای خصوصیت کرد و یک قاعده کلی فقهی تحت عنوان «لایقتل غیرالمقاتل» استخراج کرد. از آنجا که همواره رعایت اصول انسانی در جنگ، با توجه به آموزه‌های قرآنی یکی از توصیه‌ها و نیز رفتارهای مهم در سنت نبوی و سیره علوی بوده است، فقها و اندیشمندان اسلامی کوشیده‌اند تا مبانی و اصول آن را از این آموزه‌ها و رفتارها اخذ کنند. تحقیق در متون فقهی شیعی نشان می‌دهد که آنان مبانی و اصول روشنی را با توجه به سیره پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و گفتارهای ائمه تشریح کرده‌اند که این اصول امروزه نیز مورد توجه و مطمح نظر سازمان‌های بین‌المللی و مقررات و کنوانسیون‌های مربوط است.

- لزوم اعلان جنگ و دعوت به صلح

اصول حقوق بشردوستانه جنگ معاصر بر لزوم اعلان جنگ چه به صورت صریح یا غیرصریح و رسمی تأکید دارد و در گذشته از لوازم اصلی جنگ محسوب می‌شده که البته امروزه جنبه تشریفاتی یافته است. اعلان جنگ به دو صورت مشروط و غیرمشروط انجام می‌شود. اعلان مشروط جنبه اولتیماتوم یا اتمام حجت دارد. بدیهی است با اعلان رسمی جنگ آثار حقوقی آن

نیز شامل حال هر دو گروه متخاصم و افراد آنها خواهد شد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۷: ۸۴-۸۳). اما فقهای شیعه نه تنها به این امر، بلکه بالاتر از آن، به ضرورت دعوت به صلح پیش از جنگ تأکید داشته‌اند و آن را واجب دانسته‌اند. آنان در جنگ با بغاؤ و محاربین، اتمام حجت به صورت نصیحت، ارشاد، اقامه دلیل و رفع سوءتفاهم و شبهات را از اوامر خداوند می‌دانند. به نظر علامه حلی جنگ با باغیان پس از آن واجب است که کسی به سوی آنان گسیل شود تا از سبب خروجشان پرس و جو و شبهه آنان را برطرف و راه صواب را برای آنان روشن کند. وی در استدلال بر ضرورت این کار نیز می‌نویسد: «ان الغرض کفهم و دفع شرهم، فاذا أمکن مجرد القول فاجتنب القتل» (علامه حلی، ۱۲۷۲: ۳۴۱). این جمله تاریخی پیامبر اسلام (ص) به حضرت علی (ع) هنگام اعزام ایشان به یمن، گویای این حقیقت در امر جهاد است: «یا علی لا تُقاتل أحداً حَتَّى تَدْعُوهُ إِلَى الْإِسْلَامِ وَ أَيْمَانِهِ...» یعنی یا علی، هیچ کس را تا به اسلام فرا نخوانده‌ای به قتل نرسان، به خدا سوگند اگر خداوند با دستان تو کسی را هدایت کند، به طور حتم از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب کرده است، برایت بهتر است و ولایت و سرپرستی او نیز تنها برای تو خواهد بود. امام علی (ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر سفارش می‌فرماید که صلح با دشمن را با آغوش باز بپذیرد: «...ولاتدفعن صلحا دعاک الیه عدوکلله فیه رضا، فان فی الصلح دعه لجنودک و راحه من همومک و امنا لبلاک...» یعنی اگر دشمن به تو پیشنهاد صلح داد که رضایت خداوند در آن است، آن را رد نکن، به درستی که در صلح، رهایی از اندوه برای تو و راحتی و آسایش برای سربازانت و امنیت برای سرزمینت است (نهج البلاغه، نامه ۵۳). سیره آن حضرت در هر سه جنگ جمل، صفین و نهروان چنین بود.

- امان دادن

یکی دیگر از مبانی حقوق جنگ که عمدتاً منحصر به اسلام است و در قوانین موضوعه بین‌المللی در عصر حاضر مقررات و قواعدی برای آن وجود ندارد، امان دادن به دشمن قبل از آغاز جنگ و فراهم کردن شرایطی برای تسلیم اوست. امیرالمؤمنین از یک سو قبل از جنگ به صلح می‌اندیشید و به فرماندهانش توصیه می‌کرد که به دشمن امان دهند و او را به تسلیم وادارند و از سوی دیگر وفای به امان و غدر و خیانت نکردن در آن را به عنوان یکی از اصول مهم می‌دانست که می‌توان آن را یکی از مبانی مهم و مترقی حقوق جنگ در اسلام محسوب کرد. آن

حضرت پابندی به امان و صلح را چنین گوشزد می‌فرمود: «... فحط عهدک بالوفاء و ارع ذمتک بالامانه و لاتغدرن بدمتک، و لاتخیسن بعهدک و لاتختلن عدوک...» یعنی اگر با دشمنت پیمان بستی و او را در ذمه خود امان دادی، به عهد خویش وفا کن و آنچه بر گردن داری به جا آور و با کسی که امان دادی خدعه و نیرنگ روا مدار... پس در آنچه پذیرفتی و بر عهده گرفتی خیانت مکن و پیمانی را که بسته‌ای مشکن و دشمنت را نفریب که جز نادان بدبخت چنین بی‌پروا بر خدا نباشد (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶). امام علی (ع) در جنگ جمل پرچمی برافراشت و فریاد برآورد هر کس از دشمن به زیر این پرچم پناه آورد و با برادران مسلمان خود جنگ را ادامه ندهد در امان است، در صورتی که کسی را نکشته و به هیچ یک از مسلمانان تعرضی نکرده باشد، هر کس سلاح بر زمین نهد و هر کس به خانه خود درآید، جانش در امان است. امام چنین کاری را با نهرانیان هم کرد و با این اقدام بسیار دوراندیشانه و انسان‌دوستانه، از سپاه دوازده هزار نفری خوارج حدود هشت هزار نفر به کوفه و مدائن برگشتند (قائدان و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸۶-۲۸۵).

- تفکیک مسلمان از غیرمسلمان

اهمیت تفکیک دشمن آن است که نوع و شیوه رفتار و اخلاق جنگی فرد مسلمان را در میدان نبرد تعیین می‌کند. از آنجا که پس از رسول خدا (ص) شاهد جنگ‌های داخلی بین مسلمانان هستیم که آغاز آن به عصر امام علی (ع) بر می‌گردد. در عصر امام علی (ع) برای نخستین بار مسلمانان در برابر هم قرار گرفتند و حاکمیت به جنگ با گروهی از مسلمانان ناچار شد که باغی تلقی می‌شدند، پس فقهای شیعه بر اساس سیره امیرالمؤمنین (ع) به طور مفصل در مورد احکام باغیان و حقوق جنگ سخن گفتند و فتاوای خود را به سیره آن امام مستند کردند. در این مورد امام صادق (ع) می‌فرماید در جنگ امام علی (ع) با اهل قبله برکتی بود که اگر ایشان با آنان نمی‌جنگید، هیچ کس بعد از ایشان نمی‌دانست که با آنان چگونه برخورد کند. در جنگ با اهل البغی و به عبارتی مسلمانان با یکدیگر، به تصریح آیه ۹ سوره حجرات، هنگام وقوع جنگ وظیفه دیگر مسلمانان آن است که میان متخاصمان، بر پایه عدالت صلح برقرار کنند و اگر یک طرف از جنگیدن دست بردارد، باید تا زمانی که دست از ظلم و سرکشی برداشته است، با او بجنگند و چون پایان دادن به جنگ را پذیرفت، صلح را برقرار کنند. فقهای شیعه اسیر کردن زن و فرزند هیچ یک از این دو گروه را جایز نمی‌دانند (قائدان و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸۸-۲۸۶).

- تفکیک نظامیان از غیرنظامیان

در اسلام به مسئله تفکیک نظامیان و غیرنظامیان، بسیار توجه شده و از کشتار غیرنظامیان منع گردیده است. برای نمونه، در آیه ۱۹۰ سوره بقره، خداوند متعال می‌فرماید: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لاتعتدوا ان الله لایحب المعتدین»؛ مضمون آیه این است که رزمندگان اسلام باید اصل تفکیک را در جنگ رعایت کنند و تنها به جنگ و قتال با نظامیانی که در برابر اسلام دست به شمشیر برده‌اند، اقدام کنند. چارچوب کلی رویکرد قرآنی به حقوق بشردوستانه را می‌توان در آیات ۱۹۰ تا ۱۹۴ سوره بقره و آیات ۱۰۲ تا ۱۱۰ سوره آل عمران مشاهده کرد (خالقی و رشنوادی، ۱۳۹۲: ۷۷).

- اصل تناسب

اصل تناسب، برگرفته از اصول اسلامی است و در کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل نیز به آن اشاره شده است. پروتکل‌های الحاقی اول و دوم به کنوانسیون‌های ژنو، حاوی مقرراتی‌اند که بر اصل تناسب دلالت دارند. اصل تناسب به این معناست که اقدام متقابل نظامی باید با اقدام اولیه صورت گرفته تناسب داشته باشد و بیش از آن نباشد (عمید زنجانی، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

۲،۲،۲. مسئولیت دولت‌ها در حمایت از غیرنظامیان مبتنی بر حقوق بشردوستانه اسلامی

اصل اولیه در احکام جهادی اسلام، اتخاذ شیوه‌هایی است که از جنگ و کشتن انسان‌های بی‌گناه و غیرنظامی جلوگیری شود. قاعدتاً تفکیک بین افراد نظامی و غیرنظامی با هر شکل و ماهیتی، یک تکلیف محسوب و جنگ فقط بین نیروهای جنگجو جایز شمرده می‌شود. این دستور در قرآن کریم صریحاً اعلام شده است: «و قَاتِلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِینَ یُقَاتِلُونَكُمْ و لَاعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَیُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ» (سوره بقره، آیه ۱۹۰). این آیه صریحاً جنگ را مختص کسانی می‌داند که عملاً درگیر جنگ هستند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۷: ۱۰۳).

- اطفال و زنان

از دیدگاه اسلام، این کودکان هر چند وابسته به دشمن و از اتباع دشمن هستند، ولی دارای مصونیت می‌باشند. در این مورد از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت او دستور صریح مبنی بر نهی صریح از کشتن اطفال دشمن رسیده است: «...لَا یَسْلُکُ رَسُوْلُ اللَّهِ صَلی الله علیه و آله نَهْیَ عَنِ الْقَتْلِ النِّسَاءِ»

و الوالدان فی دار الحرب الا ان یقاتلن؛ همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله از قتل زنان و کودکان در دارالحرب نهی کرده است، مگر اینکه این عده مشغول جنگیدن باشند. بنابراین، کودکان از مصونیت کامل بهره‌مند هستند، مگر هنگامی که این کودکان در پیشبرد جنگ مؤثر باشند و همانند اتباع دشمن، مشغول جنگیدن و کارزار نظامی باشند. در اینجا به یک رفتار پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌کنیم: پس از یکی از حادثه‌ها به پیامبر اسلام (ص) گزارش دادند که دختری را از میان صف‌ها کشته‌اند. پیامبر اسلام (ص) شدیداً ناراحت شد. اصحاب عرض کردند: یا رسول الله! چرا ناراحت شدید، او دختر یکی از مشرکان و کفار بود. پیامبر از شنیدن این حرف خشمناک شد و فرمود: این حرف چه معنی دارد؟ اینها از شما بهترند؛ زیرا اینها هنوز بر فطرت پاک خود هستند؛ مگر شما فرزندان مشرکان نبودید؟ هرگز کودکان را نکشید، هرگز، هرگز (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۷).

در برخی تعالیم اسلامی، مصونیت ویژه‌ای را برای زنان قائل شده‌اند. برخی از فقیهان شیعه در مورد جواز کشتن زنان در جنگ حتی در صورتی که در جبهه شرکت کرده و رزمندگان خود را یاری بدهند و علیه مسلمانان وارد عملیات شوند تردید کرده و بسیاری به صراحت آن را رد کرده‌اند. صاحب جواهر در این باره چنین می‌نویسد: «و لا یجوز قتل المجانین و لا الصبیان و لا النساء منهم و لو عاونهم الا مع الاضطرار، بلا خلاف اجده فی شیء من ذلك، بل فی المنتهی الاجماع علیه فی النساء و الصبیان»؛ جایز نیست دیوانگان، کودکان و زنان اتباع دشمن کشته شوند، گرچه این عده، اتباع دشمن را یاری رسانند، مگر در هنگام اضطرار. در این مسئله از هیچ‌یک از فقیهان، نظر مخالفی دریافت نکردم، بلکه علامه حلی در کتاب المنتهی در مورد عدم جواز قتل زنان و کودکان اتباع دشمن - حتی اگر در کارزار نظامی هم شرکت داشته باشند - ادعای اجماع کرده است (عمید زنجانی، ۱۳۷۷).

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) به رعایت اصول انسانی در جنگ تأکید می‌فرمود که از جمله آن، پرهیز از آزار زنان است. جالب آنکه، آن حضرت از پیروان و سربازان خویش می‌خواهد حتی اگر زنان دشمن به شما دشنام دادند و آبروی شما را ریختند، خویشتن‌داری نمایید و از آسیب جسمی و روحی به آنان خودداری نمایید. زنان را با آزار دادن تحریک نکنید هر چند آبروی شما را بریزند، یا امیران شما را دشنام دهند، که آنان در نیروی بدنی و روانی و اندیشه کم‌توانند، در روزگاری که

زنان مشرک بودند مأمور بودیم دست از آزارشان برداریم، و در جاهلیت اگر مردی با سنگ یا چوب دستی، به زنی حمله می کرد، او و فرزندانش را سرزنش می کردند.

- پیران

از دیدگاه اسلام و به عنوان آداب جنگیدن، یا همان حقوق بشردوستانه، این عده از مصونیت برخوردار بوده و هنگامی که در جنگ و نزاع مسلحانه نقشی ندارند، نباید آسیبی به آنان برسد. اما چنانچه در پیشبرد جنگ و کارزار نظامی نقش داشته باشند، خواه به عنوان نیروی رزمنده، یا به عنوان طراح نقشه‌های جنگی و مشاور امور نظامی، در این صورت همانند دیگر اتباع جنگجوی دشمن بوده و از مصونیت جنگی بهره‌مند نخواهد بود. از این رو، صاحب جواهرالکلام می نویسد: «نعم اذا كان ذا رأی و قتال، قُتِل اجماعاً»؛ آری، چنانچه پیران - به عنوان مشاور یا طراح جنگی - دارای رأی و اندیشه باشند - و از این طریق در جنگ مشارکت فعال داشته باشند - به اجماع فقیهان اسلامی به قتل می‌رسند. به همین دلیل بود که پیرمرد کهنسالی به نام درید بن صمه به دلیل طراحی جنگ و نقش مؤثری که راهنمایی‌های وی برای دشمن داشت توسط مسلمانان به قتل رسید و مورد اعتراض پیامبر اسلام (ص) قرار نگرفت.

- بیماران، مجروحان، نابینایان و افلیح‌ها

این عده از افراد در ردیف کسانی هستند که از مصونیت جنگی برخوردار می‌باشند. این حق طبیعی آنان است که از آسیب‌های جنگ و درگیری‌های نظامی به دور باشند و بلکه باید از آنان حمایت‌های ویژه نیز صورت پذیرد. منظور ما از بیماران، مفهوم عام آن است، به گونه‌ای که شامل زخمی‌های دشمن هم می‌شود. زخمی‌های دشمن که به دلیل جراحت، قادر به جنگیدن نیستند، از هرگونه تعرض و آسیب نیروهای نظامی در امان می‌باشند و این مسأله مورد سفارش پیشوایان اسلام بوده است. لکن این مصونیت و حمایت‌های ویژه مشروط بر آن است که این عده در وضعیت جدید در جبهه به نفع دشمن حضور و مشارکت جسمی و فکری نداشته باشند؛ چه اینکه هرگونه مشارکت در کارزار نظامی، آنان را به عنوان یک سرباز دشمن قرار می‌دهد. صاحب جواهر درباره مصونیت زمین‌گیرها و نابینایان چنین می‌گوید: «یلحق به المقعد و الاعمی كما صرح به الفاضل، و سمعتُ ما فی خبر حفص، لکن ینبغی تقیید ذلک ایضاً بما اذا لم یکونا ذا رأی فی الحرب و لم یقاتلاً و لم تدع الضرورة الی قتلهمَا كما اذا ترسوا بهما و نحوذ لک مما

عرفته»؛ از جمله افراد دارای مصونیت، زمین‌گیرها و نابینایان هستند، همان‌گونه که فاضل بدان تصریح داشت و روایت حفص نیز بدان دلالت داشت، لکن سزاوار است این حکم تقیید بخورد به آنجایی که این عده دارای اندیشه جنگی نباشند و در جنگ نیز مشارکت نداشته باشند و نیز ضرورتی برای کشتن آنان وجود نداشته باشد، مثل آنجایی که دشمن از این عده به عنوان سپر جنگی استفاده کرده است.

- روحانیان و عبادت‌کنندگان

این گروه نیز همانند افراد پیش‌گفته از مصونیت برخوردار هستند. مشروط بر اینکه از جبهه جنگ برکنار باشند و از نظر فکری یا جسمی، در جنگ و کارزار نظامی مشارکت نداشته باشند. از امام صادق (ع) روایت شده که پیامبر اکرم (ص)، هرگاه فرماندهی را به جنگ اعزام می‌فرمود، به یارانش توصیه‌هایی می‌فرمود؛ از جمله اینکه: آنان را که به صورت تارک دنیا، زندگی خویش را وقف عبادت نموده‌اند آزار نرسانید.

سرخسی از فقیهان اهل سنت درباره کلام مزبور چنین می‌گوید: ابویوسف و محمد با استدلال به سخن مزبور گفته‌اند که راهبان را نباید کشت. از ابوحنیفه نیز چنین روایت شده است. ابویوسف گفته است که از ابوحنیفه در این باره پرسیدم. او کشتن راهبان را جایز دانست. نتیجه آنکه اگر راهبان از کسانی باشند که با مردم سروکار دارند و آنها را در امر جنگ راهنمایی می‌کنند، کشته می‌شوند، اما اگر درهای صومعه را به روی خویش بسته باشند، رها می‌شوند، و مقصود از سخن ابوبکر همین است؛ زیرا آنچه قتل را مباح می‌کند، ضرری است که از لحاظ جنگ متوجه مسلمانان می‌شود، اما اگر راهبی در راهی در راهی به روی خویش ببندد، چه مستقیم و چه غیرمستقیم برای مسلمانان زیانی ندارند، اما اگر اینان در جنگ، دارای دیدگاه باشند و از این دیدگاه رأی صادر کنند، به طور غیرمستقیم وارد جنگ شده‌اند و قتلشان جایز است (شیخ حرعاملی، ج ۱۵: ۵۹-۵۰).

- نمایندگان و پیام‌آوران و پیک‌ها

منظور از سفیر و پیام‌آور، کسی است که مستقیماً از ناحیه دشمن حامل پیغام و نامه است و دارای تابعیت دشمن می‌باشند، و گرنه کسانی که دارای تابعیت ثالث می‌باشند و به عنوان یکی از طرفین نزاع و درگیری محسوب نمی‌شوند، مصونیت این عده، یک امر بدیهی و روشن است. پس هرگاه سفیر و نماینده دشمن از ناحیه فرمانده نظامی اجازه ورود پیدا کرد، و یا حتی در شرایط

بحرانی این عده بخواهند پیامی را برسانند، باید از آسیب جنگ و تعرض مصون باشند. از نظر دین اسلام، مصونیت این افراد به نحو وسیع تر و ویژه می‌باشد. به عبارت دیگر، هرگاه این عده، مرتکب خطا و اشتباهی هم شده باشند باید حتی الامکان از اشتباه آنان چشم‌پوشی کرد و از آزار و یا مجازات آنان خودداری کرد.

به این ترتیب، فقهای شیعه کشتن فرستاده دشمن کافر را جایز نمی‌دانند. در زمان پیامبر اکرم (ص) دو نفر به عنوان پیک یا نماینده بر آن حضرت وارد شدند. این دو رفتارهای خطاکارانه از خود نشان دادند. پیامبر گرامی از خطای آنان چشم‌پوشی کرد و فرمود: «لَوْ كُنْتُ قَاتِلًا سِوَلًا لَضَرَبْتُ عُقُوكُمْ؛ اگر بنا بود کشتن سفیر، به تحقیق گردن شما دو نفر را قطع می‌کردم» (علامه حلی، ج ۹: ۶۸). بعبارت دیگر اگر بنا بود که من قاتل پیک و فرستاده باشم، شما دو نفر را به قتل می‌رساندم؛ کنایه از اینکه، پیک و سفیر، محترم بوده و نمی‌توان آسیب به آنان رساند.

- اسیران

در مورد طرز رفتار با اسرای جنگی نیز حقوق و فقه سیاسی اسلام احکامی را وضع کرده است که بر مبنای آنها با اسیر از آغاز اسارت تا پایان، براساس اصول و کرامت انسانی برخورد می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۹۵-۹۰). یکی از محققان در این زمینه می‌نویسد: «رهنمود حقوق اسلامی در زمینه طرز رفتار با اسرای جنگی، متضمن احکامی است که مفاد حقوق و عرف بین‌المللی مدرن هرگز به پای آن نمی‌رسد» (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۵۳). اسلام نهاد اسارت را در کم حجم ترین اندازه ممکن پذیرفت، زیرا معقول نبود که مسلمان‌ها به میدان کارزار پای نهند و دچار زیان شوند و به اسیری روند، اما بر آنها حرام باشد که دشمنان خویش را به اسارت گیرند. این نه با طبع سازگار است و نه با منطق و عقل. یکی از فلسفه‌های پذیرش این امر، ایجاد زمینه‌ای برای امکان تبادل اسیران و آزاد کردن آنان بود. از این گذشته پذیرش نهاد اسارت با آموزه‌های آسمانی پیامبر (ص) که سرمشق انسانیت به شمار می‌رود، با رعایت شرایط انسانی سازگاری دارد. اکثر فقهای شیعه و از جمله شیخ طوسی معتقدند که اگر اسیر در حال درگیری و قبل از پایان جنگ دستگیر شود، نگهداری آن جایز نیست و باید مانند سایر دشمنان در حال جنگ کشته شود و تنها راه برای زنده ماندن وی مسلمان شدن است و مسلمانان باید از او در برابر صدمات و تعرضات دشمن دفاع کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۵۷۹-۵۴۳). از امام صادق (ع)

روایت شده است که: سَأَلْتُهُ عَنِ الْأَسِيرِ فَقَالَ طَعَامُ الْأَسِيرِ عَلَى مَنْ أُسِرَهُ وَإِنْ كَانَ يُرِيدُ قَتْلَهُ مِنْ الْأَعْدِ فَإِنَّهُ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُطْعَمَ وَيُسْقَى وَيُظَلَّ وَيُرْفَقَ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْ كَافِرٍ أَوْ غَيْرِ كَافِرٍ. همچنین از ایشان روایت شده است که کسی در مورد این آیه «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ أَمْ عَلَى حَبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَ أَسِيرًا» پرسید و ایشان پاسخ داد «هُوَ الْأَسِيرُ وَقَالَ الْأَسِيرُ يُطْعَمُ وَإِنْ كَانَ يُقَدَّمُ لِلْقَتْلِ وَقَالَ إِنْ عَلِيًّا كَانَ يُطْعَمُ مَنْ خُلِدَ فِي السِّجْنِ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ. در جای دیگر نقل شده است که امیرالمؤمنین در مورد ابن ملجم فرمود: «این اسیر را زندانی کنید، به او آب و غذا دهید و در اسارتش بدو احسان کنید» و در روایت دیگری آمده است: ای فرزندانم، با اسیرت مهربانی کن و بر او رحمت آر و با او به نیکویی رفتار کن» (قائدان و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۹۹-۲۹۵).

از جمله رفتارهای ممنوع در مورد اسیران با پیروی و استناد به سیره پیامبر (ص) و امام علی (ع) و نظریات فقهای شیعه، عبارت است از: بستن دست و پای محکوم و اسیر در حال احتضار؛ زندانی کردن به قصد مرگ؛ رها کردن او بدون آب و غذا با دست و پای بسته تا بمیرد؛ شکنجه دادن؛ آشکارا کشتن او در میان مردم یا مقابل چشم دیگری؛ تهدید به قتل؛ مصبور کردن یعنی هدف قرار دادن او به قصد کشتن در غیر میدان جنگ (احمدی میانجی، ۱۳۷۸: ۳۳۴).

- ممنوعیت توسل به هر شیوه جنگی، به ویژه منع از به قحطی کشاندن دشمن و عمل متقابل به موجب بند ۶ ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ ژنو، «حمله به غیرنظامیان، به عنوان اقدام تلافی جویانه ممنوع است». حتی اصل ضرورت نظامی نیز چنین اقدامی را توجیه نمی‌کند (شریفی طرازکوهی، ۱۳۷۵: ۴۸). نگاهی به رفتار امام علی (ع) در قضیه پرهیز از بستن شریعه فرات، پایبندی ایشان به قاعده ممنوعیت به قحطی کشاندن دشمن را به وضوح نشان می‌دهد؛ حتی پس از آنکه معاویه شریعه را بست و امام توانست با زور آن را تصرف کند، از اقدام تلافی جویانه خودداری کرد. نصر بن مزاحم از عبدالله بن عوف نقل می‌کند: «ما پس از رسیدن به صفین، دیدیم اصحاب معاویه به سرکردگی ابوالاعور، شریعه را در تصرف گرفته‌اند. جریان را به امام گزارش کردیم. امام، صعصعه بن صوحان را خواست و به سوی معاویه فرستاد که به او بگوید: ما پیش از صحبت و اتمام حجت نمی‌خواهیم دست به جنگ بزنیم؛ و بسته شدن شریعه از طرف تو، نشانه جنگ است. صعصعه پیام امام را به معاویه رساند و معاویه با اصحابش مشورت کرد. ولید بن عقبه و «عبدالله بن سعید نظر دادند که باید آنها را از آب منع

کرد تا تشنه بمیرند. معاویه حاضر نشد شریعه را رها کند؛ بلکه دستور داد کاملاً مواظب شریعه باشند. اینجا بود که امام خطبهٔ مورد بحث را ایراد فرمودند. این خطبه چنان مهیج بود که سپاه امام به سرعت سپاه معاویه را کنار زد و شریعه را به دست آورد. در اینجا بود که عمروعاص از معاویه پرسید: اگر علی با تو همین معامله را انجام دهد، چه خواهی کرد؟ آیا تو می‌توانی همچون علی آب را بازستانی؟ معاویه گفت: این حرف‌ها را بگذار. تو درباره علی چه فکر می‌کنی؟ عمروعاص گفت: او مثل تو نیست؛ علی برای هدفی غیر از آب آمده است. اصحاب امام پیشنهاد کردند: تو هم آنها را از آب بازدار. امام در پاسخ فرمودند: نه؛ آنها را آزاد بگذارید. من کار جاهلان را انجام نمی‌دهم. ما کتاب خدا را به آنها عرضه می‌داریم و آنان را به راه هدایت دعوت می‌کنیم؛ اگر پذیرفتند، چه خواست خدا - بی‌بهرتر؛ وگرنه برندگی شمشیر،

- احترام به اجساد کشته شدگان و مردگان

امام علی (ع) در نامهٔ ۴۷ نهج‌البلاغه که در زمره وصایای ایشان به امام حسن و امام حسین (ع) قرار می‌گیرد، در هنگامی که ابن ملجم ملعون آن حضرت را ضربت زد، چنین می‌فرماید: بنگرید! هرگاه من از این ضربت، جهان را بدرود گفتم، او را تنها یک ضربت بزیند، تا ضربتی در برابر ضربتی باشد. این مرد را مثله نکنید (گوش و بینی و اعضای او را نبرید)، که من از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمودند: از مثله کردن بپرهیزید؛ گرچه نسبتبه سگ گزنده باشد. همچنین امام علی (ع) در هنگام آغاز جنگ جمل، به لشکریانش دستور جامعی در این زمینه ارائه فرمودند: «هنگامی که آنان را شکست دادید، مجروحان و اسیرانشان را نکشید؛ غلامان آنها را تعقیب نکنید؛ از پشت سر به آنها هجوم نبرید؛ عورت‌ها و بدن‌های آنها را آشکار نسازید؛ کشته شدگان را مثله و آنان را هتک حرمت نکنید» (عباسی، ۱۳۹۵: ۳۰-۲۸)

همچنین سده‌ها قبل فقهای شیعه، کشتن آسیب دیده‌ها و مجروحان جنگی دشمن را نه تنها جایز نمی‌دانستند، بلکه حتی برخی از آنان برگرداندن زخمیان را به شهرهایشان لازم می‌شمردند و آن را به سیره امام علی (ع) مستند می‌کردند که دستور داده بودند تا زخمیان و آسیب دیدگان خوارج را که در میدان جنگ افتاده بودند، به کوفه برگردانند و تمام آسیب دیده‌ها را در آخرین لحظه‌های زندگی به دوستان و خویشاوندانشان برسانند، اعم از اینکه علاج و مداوایشان ممکن باشد یا نباشد. امام طبق آنچه در نهج‌البلاغه آمده است، قبل از شروع جنگ صفین به لشکریانش

دستور جامعی در این زمینه داد. همچنین آن حضرت در هنگام آغاز جنگ جمل فرمود: «ایها الناس اذا هزمتوهم فلا تجهزوا علی جریح و لا تقتلوا اسیراً و لا تتبعوا مولیاً و لا تطلبوا مدبراً و لا تکشفوا عوره و لا تمثلوا بقتیل و لا تهتكوا سترأ؛ یعنی ای مردم هنگامی که آنان را شکست دادید مجروحان و اسیرانشان را نکشید، غلامان آنان را تعقیب نکنید، از پشت سر به آنان هجوم نبرید، عورت‌ها و بدن‌های آنان را آشکار نسازید، کشته‌شدگان را مثله و آنان را هتک حرمت نکنید. همچنین در روز صفین دستور داد فراریان و مجروحانشان کشته نشوند. آن حضرت حتی راضی نمی‌شدند که جنازه‌های دشمن روی خاک بماند و پس از آنکه آنان را دفن می‌کردند، به کوفه باز می‌گشتند (قائدان و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹۲-۲۹۱).

- محدودیت کاربرد هر سلاحی بر ضد دشمن (منع سلاح‌های کشتارجمعی)

مبنای محدودیت کاربرد استفاده از سلاح در تعالیم اسلامی این است که استفاده بدون هدف از سلاحی که هم به رزمنده و هم به غیررزمنده اصابت می‌کند و نیز استفاده علیه اهداف غیرنظامی ممنوع است. بنابراین هر رزمنده با دو نوع تعهد مواجه می‌شود، اول آنکه جنگجو را از غیرجنگجو تمییز و فقط اولی را هدف قرار دهد و دوم اینکه مواضع نظامی را از مراکز غیرنظامی تمییز دهد، یعنی اصل تمایز و تناسب و در این مورد نیز فقط هدف او حمله به جنگجو باشد و نیز تخریب و ویرانی اماکن، مگر در حد ضرورت نظامی جایز نیست. با اینکه سلاح‌های کشتار جمعی در صدر اسلام به معنای امروزی وجود نداشت، رسول خدا (ص) استعمال هر نوع سلاح غیرمعمول را (که خسارات بسیار سنگین در صفوف دشمن وارد می‌کند) ممنوع فرمود، مانند سوزاندن سرزمین و خانه‌های دشمن و زهرآلود کردن آب‌های آنان. فقهای شیعه بر پایه سیره پیامبر (ص) به حرمت آلوده کردن آب یا غذای دشمن فتوا داده‌اند. زیرا در این کار نابودی کسانی متصور است که کشتن آنان جایز نیست (مثل زنان و کودکان). واژه زهر در فتوا به ماده خاصی منحصر نیست و شامل هرگونه وسیله‌ای است که موجب آلوده کردن آب یا هوا یا غذا می‌شود. بنابراین وقتی در گذشته استعمال زهریات با نتایج محدودش حرام و ممنوع شده، امروزه نیز استفاده از آنها با همه گستردگی و خسارت‌آفرینی فعلی (سلاح‌های شیمیایی) به تبع اولی ممنوع و حرام است. امام صادق (ع) از امیر مؤمنان علی (ع) نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «نهی رسول‌الله یلقى السم فی بلاد المشرکین». به همین دلیل علامه حلی به طور کلی استعمال

زهر را در مورد دشمن به هر شکلی که باشد حرام دانسته است. شیخ طوسی از آنرو آن را حرام اعلام کرده است که در آن نابودی کسانی که کشتنشان جایز نیست، مثل زنان و کودکان قرار دارد. همچنین غرق کردن دشمنان با سیل و باز کردن سیل‌بند بر روی آنان به نحوی که به نابودی غیرنظامیان و تخریب اراضی دشمن منجر شود نیز از اعمال ممنوعه تلقی شده است (قائدان و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹۱-۲۸۹). عدم بکارگیری سموم و تسلیحات کشتار جمعی بر ضد نیروهای دشمن، یکی از قوانین الزامی اسلام در جنگ است. این ممنوعیت، در روایتی از رسول اکرم (ص) به حضرت علی (ع) صراحتاً اعلام شده است: «تو را از بکارگیری سم در بلاد مشرکین نهی می‌کنم» (عباسی، ۱۳۹۵: ۳۱-۳۰).

- رعایت محیط زیست

یکی از روش‌های جنگی آن زمان این بود که طرف‌های درگیر جنگ برای مقابله و جلوگیری از پیشروی دشمن، زمین‌های پشت سر خود را، اعم از مزارع و باغ‌ها، می‌سوزاندند و چشمه‌های آب را تخریب می‌کردند. این روش - که از آن با عنوان سیاست زمین سوخته یاد می‌شود - شیوه‌های معمول بود؛ اما پیامبر (ص) از این روش جلوگیری می‌کردند و به لشکریان خود هنگام اعزام به نبرد چنین می‌فرمودند: «از قطع و سوزاندن درختان خرما و دیگر درختان میوه‌دار و نیز از سوزاندن مزارع بپرهیزید». همچنین نیروهای نظامی را از آسیب زدن به حیوانات منع می‌فرمودند و توصیه می‌کردند: «حیوانات حلال گوشت را نیز جز به اندازه نیاز ذبح نکنند». ابن ادریس حلی (۵۹۸ق) در این باره می‌گوید: «می‌توان در جنگ انواع شیوه‌ها را به کار بست؛ جز تخریب عمومی خانه‌های مردم از طریق آب انداختن در آنها، یا آتش زدن خانه‌ها، یا القای سم در سرزمین دشمن.» او آشکارا تخریب مسکن و دیگر زیرساخت‌های ضروری زندگی را در کنار منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی قرار می‌دهد و با تعمیم این به آن، به منع هر دو حکم می‌کند (فیرحی، ۱۳۸۷). در راستای دیدگاه یادشده، فقه اسلامی توجه زیادی به حفظ تأسیسات و زیرساخت‌های حیاتی، به ویژه آب رسانی در جامعه جنگ زده دارد (عباسی، ۱۳۹۵: ۳۷-۱۱).

- منع تصرف غنائم غیر جنگی

در حقوق جنگ معاصر مفهوم غنیمت جنگی عبارت است از: «کلیه اشیای منقول دشمن که در حین مخاصمات به دست نیروهای طرف متخاصم بیفتند و یا به نحوی از انحا برای پیشبرد اقدامات جنگی استفاده شود، حتی اگر در اماکن مسکونی سرزمین متخاصم یافت شوند، غنیمت جنگی محسوب شده و قابل تصرف و تملک از سوی طرف دیگر متخاصم است» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۲۲۲). اما فقهای شیعه در سطح فرائری، غنائم جنگی را به سه گروه تقسیم می‌کنند... دارایی‌های منقول؛ دارایی‌های غیر منقول؛ زنان و کودکان. دارایی‌های منقول به دو گونه- اند: یکی اموالی که مسلمانان نمی‌توانند تملک کنند، در این صورت آنها غنیمت به حساب نمی‌آیند. این اموال اگر اصلاح شدنی و تغییرپذیر به مایملک مسلمانان باشد، مثل تبدیل شراب به سرکه و... تبدیل صورت می‌گیرد و گرنه از بین برده می‌شوند. نوع دوم اموالی است که مسلمانان می‌توانند استفاده کنند، این گونه اموال بین جنگجویان تقسیم می‌شود و تصرف در آنها قبل از تقسیم غنائم جایز نیست. امام علی (ع) پس از اتمام جنگ، آنچه را در اردوگاه دشمن بود، جمع می‌کرد، اسلحه و چارپایانی را که در جنگ استفاده شده بودند، میان مسلمانان تقسیم می‌کرد، ولی اجازه نمی‌داد کسی سایر کالاها و اموالی را که در چادرهای آنان بود، تصرف کند و آنها را به صاحبانشان باز می‌گردانید، زیرا گرفتن غنیمت غیر جنگی را از مسلمان جایز نمی‌دانست، حتی اگر جزو باغیان و ستمکاران و منحرفان بودند. آن حضرت در جنگ جمل فرمان داد که هر آنچه نزد خانواده‌هایشان باقی گذاشته‌اند، میراث محسوب می‌شود و بر اساس آنچه خداوند متعال واجب کرده است، به وارثانشان می‌رسد. همچنین آن حضرت پس از پایان جنگ صفین فرمود «هر که چیزی را می‌شناسد بردارد، مگر سلاحی که نشان حکومت دارد که نباید کسی تصرف کند، آنچه از مال خدا علیه شما به کار گرفته‌اند از آن شماسست، چیزی از مال مسلمانان در گذشته بر مسلمان حلال نیست» (قائدان و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹۵-۲۹۶).

نتیجه‌گیری

دین اسلام برای جنگ برنامه قانونی مفصلی بر پایه عدل، رحمت و رعایت حقوق و شئون انسانیت تنظیم کرده و نگاه ویژه‌ای به افرادی دارد که در جنگ حضور ندارند و عموماً

شامل زنان، کودکان، سالخورده‌گان، بیماران و... می‌شود. در جهاد اسلامی، افراد غیررزمنده دشمن، تا هنگامی که در فعالیت‌های جنگی مؤثر نیستند، از مصونیت برخوردارند؛ لکن رزمنده دشمن، تنها به کسانی صدق نمی‌کند که سلاح به دست و جزئی از ارتش منظم دشمن‌اند، بلکه شامل همه کسانی می‌شود که به نحوی در پیشبرد جنگ به نفع دشمن مؤثر باشند؛ هر چند سلاح در دست نداشته باشند. همه کسانی که از اعمال خصمانه جنگی خودداری می‌کنند، به لحاظ اینکه در جنگ شرکت ندارند، غیررزمنده شمرده می‌شوند و حقوق آنان محترم است. بنابراین، افرادی که در حقیقت نظامی نیستند، یا دلایلی بر نظامی بودن آنان نباشد، مورد حمایت قرار می‌گیرند و جنگجویان حق تعرض به آنان را ندارند؛ زیرا پیامبر گرامی (ص) فرمودند: «پیران، زنان، اطفال، عابران و رهبانان را که در غارها و بیغوله‌ها زندگی می‌کنند، به قتل نرسانید» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ۲). فقها نیز به ارجاع بر اصل حمایت از افراد غیرنظامی تأکید کرده‌اند.

ماهیت جنگ و اخلاق نظامی در جهان اسلام، دارای خاستگاهی مذهبی است. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های اسلام، که از سیره و سنت و احادیث و روایات می‌توان به آن رهنمون گردید، توجه به حقوق بشردوستانه است. اسلام پیش از جنگ و پس از پیروزی، به حقوق انسانی توجه ویژه‌ای دارد. همواره به مسلمانان توصیه شده است که آغازگر جنگ نباشند. در صورت پیروزی از تعرض به زنان، کودکان، افراد سالخورده و ناتوان خودداری کنند و مراقب باشند که سپاهیان به حقوق این افراد تعرض نکنند و متخلفان را مؤاخذه نمایند. رعایت احترام اسیران، از موضوعات مهمی است که در اسلام و در سیره نبوی مورد تأکید است و از بکارگیری سموم و تسلیحات نامتعارف در جنگ‌ها - که به کشته شدن گروه‌های مختلف اجتماعی می‌انجامد - اکیداً نهی شده است. این امور، بیانگر این واقعیت‌اند که اولاً مسائلی که امروزه با عنوان حقوق بشردوستانه مورد توجه جامعه بین‌المللی است، قرن‌ها پیش توسط اسلام بیان شده‌اند؛ ثانیاً قدمت حقوق بشردوستانه در اسلام بسیار بیشتر از معاهداتی است که به ویژه پس از جنگ جهانی دوم تدوین شده‌اند و امروزه نیز در حال تکامل‌اند. ثالثاً حقوق بشردوستانه، از جمله موضوعاتی است که مورد توافق همه فرهنگ‌ها و ملل، فارغ از تمام تفاوت‌ها، قرار دارد. به عبارت بهتر، همه انسان‌ها می‌باید از آن حیث که دارای فطرت، طبیعت و وجدان بشری‌اند، این حقوق را بپذیرند و رعایت کنند. ترویج حقوق بشردوستانه به نیت

جلوگیری از گسترش دامنه مخاصمات و مراعات معیارهای انسانی و اخلاقی توسط طرفین درگیری، با توجه به قدمت و وسعت دامنه تخریب جنگ‌ها، امروزه به صورت یک جنبش فراگیر جهانی درآمده است و مراجع بین‌المللی و دولت‌ها، برای ترویج و اعتلای آن در سطوح مختلف فعالیت می‌کنند. این امر در حالی است که این اصول بشردوستانه، پیش از آنکه در اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون‌های لاهه و ژنو به صورت مدون و موضوعه تدوین گردد، در حقوق اسلامی سابقه‌ای دیرینه داشته‌اند. امروزه با وجود اسناد و معاهداتی در راستای حفظ صلح و کرامت انسانی در جنگ‌ها، باز هم بشر معاصر بی‌نیاز از مراجعه و استفاده از متون اسلامی مرتبط با حقوق بشردوستانه نیست و در این مسیر نقش فقهای معظم در اجتهاد پویا و بیان احکام موضوعات مستحدثه با توجه به منابع اسلامی، بسیار مهم است. اگرچه در عصر کنونی، کنوانسیون‌های بشردوستانه در پی آن هستند که انسان‌های بی‌گناه و غیرنظامیان را از خطر و تجاوز و کشتار در جنگ‌ها دور نگه دارند، اما این قوانین در مجموع نتوانسته‌اند طرف‌های درگیر را از این گونه رفتارهای غیرانسانی بازدارند. از جنایات جنگی صرب‌ها بر ضد مسلمانان بوسنی و هرزگوین تا جنایت بودائیان بر ضد مسلمانان میانمار، جنایات شبه نظامیان القاعده، طالبان و داعش در افغانستان، عراق و سوریه، جنایات آمریکایی‌ها در جنگ افغانستان (۲۰۰۲م) و عراق (۲۰۰۳م)، جنایات قبلی و کنونی صهیونیستها بر ضد مردم فلسطین و جنگ نابرابر سعودی‌ها با مردم غیرنظامی یمن (۲۰۱۶م) همه نشان می‌دهند که این تعهدات بسیار ضعیف‌اند. این قوانین تا زمانی که با اعتقادات دینی پیوند نخورند، از ضمانت اجرایی و قدرت الزام‌آور برخوردار نخواهند بود. سیره نبوی و قوانین اسلام، الگویی کامل از حقوق جنگ است که در مقایسه با قوانین حقوق بشردوستانه موضوعه در معاهدات بین‌المللی معاصر، کارآمدتر و مناسب‌تر جلوه می‌کند. مبنای حقوق بشردوستانه اسلامی، بر تقدیم و ترجیح صلح بر جنگ استوار است. در صورت وقوع جنگ - که البته آن هم دفاعی است، نه تهاجمی - تمامی آنچه امروزه به عنوان حقوق بشردوستانه در مخاصمات بین‌المللی مطرح شده، نه تنها مورد توجه بوده است، بلکه در قیاس با قوانین موضوعه عصر کنونی و کنوانسیون‌های مختلف، برتر و انسانی‌تر می‌نماید. پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) در همه جنگ‌ها می‌کوشیدند از اقناع برای توجیه و واداشتن دشمن به اجتناب از جنگ بهره ببرند و همیشه تلاش

می‌شد که مسلمانان آغازگر جنگ نباشند. فرماندهان سپاه اسلام همیشه پیش از جنگ، در حین جنگ و پس از پایان جنگ، به رعایت حقوق انسانی سفارش می‌شدند.

این نکته را نباید فراموش کرد که رعایت مصونیت و احترام غیرمقاتلین در مخاصمات مسلحانه و منع هرگونه تهدید، خشونت و حمله علیه آنان، یک حکم و تکلیف دینی است و متخاصمان موظفند آن را رعایت کنند و طبق آموزه‌های دینی، هرگونه تخطی عمدی از آن، تجاوز و خروج از حدود الهی است و چنین افرادی از رحمت خداوند دور خواهند بود. بنابراین، بنابراین جنگ با افرادی که در حقیقت نظامی نبوده‌اند یا دلیلی بر نظامی بودن آنان وجود ندارد یا کسانی که قادر به جنگ نیستند (مانند زنان و کودکان، پیران و مجروحان و...) یا کسانی که تسلیم یا اسیر می‌شوند، جایز نیست و جنگجویان حق تعرض به آنان را نخواهند داشت، وگرنه عمل آنان از جمله مصادیق تعدی تلقی خواهد شد و واضح است که در جهاد فی سبیل‌الله تجاوز و تعدی از حدود الهی هیچ جایگاهی ندارد. احکام اسلامی نشان می‌دهد که حتی در اوج درگیری‌ها، صیانت از حق حیات و کرامت انسانی زنان و کودکان الزام‌آور است. پس این نحوه حمایت از زنان و کودکان از جمله امتیازات انکارناشدنی حقوق بشردوستانه در اسلام محسوب می‌شود. از نظر حقوق بشردوستانه اسلامی، شهروندان یعنی غیرنظامیان، کاملاً از حمایت برخوردارند و این طبقات از جمله؛ زنان و کودکان؛ سالخورده‌گان؛ تجار و زارعان؛ عابران غیرنظامی؛ روحانیون و مجریان آیین‌های دینی و... به نحو ویژه از تعرض مصون می‌باشند.

فهرست منابع

- ابراهیمی، محمد (۱۳۷۷). اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات سمت.
- ابراهیمی، محمدعلی (۱۳۸۶). مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، مؤسسه مطالعات حقوق بشر اسلامی.
- احمدآبادی، عیسی (۱۳۸۶). حمایت از افراد و اموال غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه حقوق بین‌الملل و اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- احمدی میانجی، علی (۱۳۸۷). الاسیر فی الاسلام، ترجمه محمد احمدی میانجی، تهران، انتشارات دادگستر.
- اقبالی، کیوان (۱۳۸۸). تحولات اخیر در اصل تفکیک بین رزمندگان و غیرنظامیان در حقوق مخاصمات مسلحانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- البرزی، مسعود (۱۳۸۹). حقوق بشردوستانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق، ۴۰(۱)، ۲۱-۴۰.
- پورمحمدی، نعمت‌الله (۱۳۸۵). حقوق بشردوستانه در جنگ ایران و عراق؛ مرور رفتار عراق، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.
- توکلی طبسی، علی، فرنگیس منصوری، محمدتقی رضایی و توکل حبیب‌زاده (۱۳۹۲). مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ثالث ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی، حقوقی بین‌المللی، ۳۰(۴۹)، ۶۱-۹۶.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۶). وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البتیة الحیاء التراث.
- خالقی، ابوالفتح و حجت رشنودی (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی حفظ کرامت انسانی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بشردوستانه اسلامی و اسناد بین‌المللی، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۲(۳)، ۲۸-۱.
- دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه (۱۳۸۳). رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران.
- زیده، محمد و حسن حقیقت‌پور (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی در مصونیت غیرنظامیان و زوال آن در نظام‌های حقوق بشردوستانه اسلام و بین‌الملل، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۲(۳)، ۲۸-۷.
- زرشکی، محمد (۱۴۰۲). حقوق اسیران جنگی در رویکرد پیامبر اکرم (ص)؛ از نظر تا عمل با تأکید بر حقوق بشردوستانه در اسلام، مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۱۲(۱)، ۱۳۱-۱۰۹.

شریفی طرازکوهی، حسین، سیدقاسم زمانی و مسلم یعقوبی (۱۴۰۲). اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی در مواجهه با تسلیحات نوین نظامی: چالش‌ها و راهکارها، پژوهش‌های حقوقی، ۲۲(۵۴)، ۳۹-۷.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۹). اسلام و حقوق بین‌الملل، تهران، انتشارات گنج دانش.
 ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۸). حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش.
 عباسی، مجید (۱۳۹۵). نظریه اسلامی حقوق بشردوستانه و صلح بین‌المللی با تأکید بر کرامت ذاتی و ارزش انسان، پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۴(۱۰)، ۳۷-۱۱.
 علامه مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۴). بحارالنوار الجامعه لدرر، اخبارالتمه الطهار، بیروت: مؤسسه الوفاء.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷). فقه سیاسی (جلد پنجم)، تهران، انتشارات امیرکبیر.
 فیروزی، مهدی (۱۳۹۱). حمایت از کارکنان پزشکی در محاصرات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و فقه امامیه، فصلنامه علمی کاوشی نو در فقه، ۱۹(۷۴)، ۷۱-۳۸.
 فیروزی، مهدی (۱۳۹۲). لایقتل غیرالمقاتل، کاوشی نو در فقه، ۴(۷۸)، ۶۳-۴۳.
 قائدان، اصغر، حسین شریفی طرازکوهی و سمیه باقری (۱۳۹۳). قواعد حقوق جنگ در اندیشه فقهی شیعه و مقایسه آن با قوانین حقوق بشردوستانه در عصر حاضر، فصلنامه علمی فقه و مبانی اسلامی، ۴۷(۲)، ۳۰۲-۲۷۷.

محبی، علی (۱۳۹۹). حقوق اسرای جنگی در پرتو حقوق بشردوستانه، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۹(۱۹)، ۱-۲۰.

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۳). حقوق بشردوستانه بین‌المللی؛ رهیافت اسلامی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۲). حق استئسار در حقوق بین‌الملل اسلامی بر اساس کتاب و سیره نبوی، در: جمعی از نویسندگان اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: میزان.
 مسعودی‌نیا، محمد (۱۴۰۱). حمایت از غیرنظامیان در محاصرات مسلحانه در فقه و حقوق کیفری بین‌المللی، فقه جزای تطبیقی، ۲(۳)، ۱۲۷-۱۱۳.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
 نگهداری، عوض (۱۳۸۶). جنگ، غیرنظامیان و حقوق بشردوستانه در اسلام، معرفت، ۷(۱۸)، ۴۵-۳۳.